

امروز جمهوری اسلامی ایران از موضع اقتدار وارد گفت‌وگومی‌شود

رئیس‌جمهور در ادامه برنامه‌های سفر خود به قم، در نشست با اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، از ایستادگی ملت ایران، فداکاری نیروهای مسلح و همراهی کم‌نظیر اقشار مختلف مردم در عبور از شرایط سخت کشور قدردانی کرد و گفت: آنچه در ماه‌های گذشته رقم خورد، جلوه‌ای روشن از انسجام ملی، وفاداری مردم به ایران، انقلاب و نظام و آمادگی همه ظرفیت‌های کشور برای دفاع از عزت و امنیت ملی بود. رئیس‌جمهور افزود: در روزهایی که دشمنان تلاش داشتند با فشارهای همه‌جانبه کشور را دچار اختلال و ناامنی کنند، ملت ایران با همبستگی، مسئولیت‌پذیری و حضور آگاهانه خود، نقشه‌های آنان را ناکام گذاشت و بار دیگر نشان داد که سرمایه اصلی کشور، مردم و اعتماد متقابل میان مردم و نظام است.

دکتر پزشکیان در ادامه با ارائه گزارشی از وضعیت کشور از آغاز به کار دولت، به تلاش‌های گسترده دشمنان برای ایجاد اختلال در حکمرانی کشور اشاره کرد و گفت: آنچه امروز در جامعه مشاهده می‌شود، نتیجه مجاهدت شبانه‌روزی مجموعه دستگاه‌های اجرایی، نهادهای حاکمیتی، نیروهای مسلح و همراهی مردم است که اجازه ندادند اهداف دشمنان در ایجاد بی‌ثباتی، فروپاشی ساختارهای اقتصادی و برهم زدن انسجام ملی محقق شود.

رئیس‌جمهور همچنین در نشست با جمعی از اعضای دفاتر و بیوت مراجع عظام تقلید، با اشاره به تحولات ناشی از جنگ ۱۲ روزه، اظهار کرد: دشمنان تصور می‌کردند با اعمال فشار و ایجاد ناامنی، زمینه بی‌ثباتی داخلی و فروپاشی کشور فراهم خواهند کرد اما وحدت، همدلی و حضور آگاهانه مردم تمامی محاسبات آنان را بر هم زد و اهداف شان محقق نشد.

دکتر پزشکیان وحدت و انسجام ملی را مهم‌ترین سرمایه کشور دانست و افزود: امروز جمهوری اسلامی ایران در شرایطی وارد عرصه گفت‌وگو و تعامل می‌شود که از موضع اقتدار سخن می‌گوید و این اقتدار نتیجه مقاومت مردم، توانمندی نیروهای مسلح و حفظ انسجام داخلی است. در عین حال، وظیفه اصلی دولت همچنان تأمین معیشت مردم، ایجاد اشتغال، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و رفع مشکلات اقتصادی است.

■ ■ ■

حمایت جمعی از مبلغان از بیانیه تاریخی اعضای خبرگان

گروهی از مبلغان مشهور به انتشار طوماری از بیانیه اخیر اکثریت مجلس خبرگان درباره تفاهم با آمریکا حمایت کردند.

در این طومار که به امضای ۲۹ تن از وعاظ معروف کشور رسیده آمده است: به دنبال بیانیه وزیرن و جامع اکثریت اعضای محترم مجلس خبرگان رهبری و مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه که دربرگیرنده نکات مهم و تذکرات قاطعی است، اینجانبان امضاکنندگان ذیل ضمن حمایت همه جانبه از محتوای آن و هم‌راستا با ملت مبعوث، همگان به‌ویژه مسئولان و نخبگان و اصحاب رسانه را به اطاعت‌پذیری محض از مقام عظمای ولایت و تقویت انسجام و اتحاد مقدس فرا خوانده و همچون دیگر آحاد ملت خواستار خونخواهی رهبر شهید و پیگیر عمل به شروط رهبرمعظم انقلاب هستیم.

در بیانیه روز یکشنبه جمع کثیری از اعضای مجلس خبرگان رهبری ضمن تشکر از مسئولان به‌ویژه مذاکره‌کنندگان محترم اعلام شده است که این انتظار وجود دارد مذاکره‌کنندگان که با ملاحظه تجربه‌های مذاکرات خسارت‌بار گذشته کاملاً مراقب ترفندهای دشمن فریبکار و بد سابقه باشند و توجه داشته باشند که رعایت خطوط قرمز رهبری واجب شرعی است و تخطی از آنها به هیچ وجه جایز نیست، همچنین در این بیانیه تأکید شده است که مطابق تعهد مسئولان محترم به رهبری و مردم، انتظار می‌رود هرگونه پیمان شکنی و نقض بندهای تفاهم‌نامه سریعاً پاسخ داده شود و در بند دیگری از آن بر مذاکره‌ناپذیر بودن حقوق هسته‌ای کشور مطابق رهنمود واجب‌الاتباع رهبری معظم (مدظله العالی) تأکید شده است.

اعضای خبرگان همچنین در آن بیانیه از ملت عزیز تقاضا کردند که کماکان حضور آگاهانه و با صلابت خویش را در میدان ادامه دهند و ضمن حفظ اتحاد مقدس و پرهیز از هر اقدام مخل این اتحاد، به سخنان تفرقه‌افکنانه برخی ناآگاهان که به دنبال محدودسازی این بعثت الهی هستند اعتنایی نداشته باشند.

اجرای تفاهم امضاشده توسط روسای جمهور ایران و آمریکا همچنان با سنگ اندازی کاخ سفید مواجه است

تفاهم در گرداب بدعهدی



جبهه‌ها به‌ویژه لبنان است و واشنگتن به‌عنوان طرف توافق، مسئولیت دارد رژیم صهیونیستی را نیز به اجرای این تعهدات وادار کند. با این حال، حملات اسرائیل به لبنان ادامه یافته و مقام‌های تل‌آویو نیز آشکارا از عدم عقب‌نشینی از مناطق اشغالی جنوب لبنان سخن می‌گویند؛ موضوعی که از نگاه ایران، با روح و متن تفاهم سازگار نیست.

■ **هرمز: نقطه اصطکاک اصلی**

دومین محور اختلاف، به بند پنجم تفاهم و ترتیبات مربوط به تنگه هرمز بازمی‌گردد. در متن تفاهم، مدیریت بازرگشت تردد دریایی به شرایط عادی و تدوین سازوکارهای آینده این آبراه، در چارچوبی مشخص و با نقش آفرینی کشورهای ساحلی تعریف شده بود اما تنش‌های هفته‌های اخیر، نشان داد که برداشت دو طرف از نحوه اجرای این بند یکسان نیست. اعلام یک جانبه مسیر جدید دریایی از سوی عمان، واکنش سیاسی و سپس میدانی ایران را در پی داشت و در ادامه، حملات آمریکا به برخی اهداف در سواحل جنوبی ایران و پاسخ متقابل ایران به مواضع آمریکایی در منطقه، عملاً تنگه هرمز را به حساس‌ترین نقطه اجرای تفاهم تبدیل کرد. از نگاه تهران، اقدام ایران در برخورد با شناورهای متخلف، اجرای ترتیبات

چارچوب این خدمات دریایی عبور می‌کنند، وجهی دریافت شود. عمان نیز موضوع رسمی خود را در این زمینه اعلام کرده است. این تحول مهمی است و علی‌رغم مخالفت آمریکایی‌ها، یک منبع درآمد جدید برای درآمد ملی ما ایجاد شده است. به نظر من، علاوه بر این که این موضوع ماهیت اقتدار را گسترش می‌دهد و تنگه هرمز را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های اقتصادی جهان در اختیار داریم، «این منطقه به محلی برای درآمد‌های ملی ما نیز تبدیل شده که ارزشمند است. بسیاری از این نکات در همین چارچوب به دست آمده است. حتی پول‌هایی که طبق یادداشت تفاهمی که با قطری‌ها امضا کردیم، در حال حرکت به سمت آزادسازی است و عملاً مقداری از آن ۶ میلیارد دلاری که در قطر داریم، عملیاتی و آزاد شده است. تبلیغاتی هم که آمریکایی‌ها راه انداخته‌اند مبنی بر این که باید از آمریکا خرید کنیم، صرفاً یک تبلیغات است و ناشی از توهومات ترامپ، واقعیت این است که ما از هر جا که بخواهیم خرید می‌کنیم. البته همان‌طور که آقای بقایی نیز اشاره کردند، در برخی از مفاد این تفاهم نامه چالش‌های جدی وجود دارد و همان‌طور که انتظار می‌رود، ممکن است همه موارد به‌سادگی انجام نشود. به‌طور

اکتون نیز با وجود غیرقابل اعتماد بودن رژیم‌صهیونیستی که به هیچ توافقی پایبند نیست، به میزان قابل توجهی فشار علیه حزب‌الله و جنگ علیه لبنان فروکش کرده است. نکته دوم این‌که ما در یک محاصره دریایی قرار داشتیم اما در نتیجه این تفاهم‌نامه این محاصره برداشته شد و ما از مرحله عدم امکان صادرات نفت به مرحله‌ای رسیدیم که صادرات نفت ماکاملاً فعل و آزاد در عرصه جهانی انجام می‌شود. همچنین اعلام کردند تحریم‌های نفتی را برمی‌دارند؛ بنابراین این ماعلاً می‌توانیم نفت خود را به هر جایی که بخواهیم صادر کنیم و این یک نکته مثبت دیگر است.

تنگه هرمز و حاکمیت ما بر این تنگه نیز همچنان یک امر باثبات است. به همین دلیل حتی اجازه ندادیم درگیری ایجاد شود و اعلام کردیم هر گشتی که بخواهد عبور کند باید با هماهنگی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باشد. در عین حال، با توجه به رابطه خوبمان با عمان و این که عمان در بخش جنوبی تنگه حضور دارد، مذاکرات متعددی انجام دادیم که منجر به یک تفاهم‌نامه با خود عمان شد. عمان پذیرفته که خدمات دریایی را ارائه دهد و ما نیز به توافق رسیدیم که از کشتی‌هایی که در

در حالی که طی روزهای گذشته رئیس‌جمهور آمریکا از احتمال دیدار مستقیم ایران و آمریکا در دوحه خبر داده بود، تهران به‌صورت رسمی هرگونه برنامه‌ریزی برای چنین دیداری را رد کرد. اسماعیل یاقایی سخنگوی وزارت خارجه، تأکید کرد که ایران «اساساً برنامه‌ای برای دیدار با طرف‌های آمریکایی در هیچ سطحی در این چند روز آینده نداشته» و گفت وگوهای احتمالی در دوحه صرفاً با طرف قطری و درباره اجرای برخی بندهای یادداشت تفاهم، ازجمله موضوع آزادسازی دارایی‌های مسدودشده ایران، خواهد بود.

همزمان، سخنگوی وزارت خارجه تصریح کرد که آغاز مذاکرات برای توافق نهایی منوط به شروع و تداوم اجرای بندهای ۱، ۵، ۴، ۱۰ و ۱۱ یادداشت تفاهم است؛ بندهایی که به موضوعاتی چون توقف درگیری‌ها، ترتیبات تنگه هرمز، رفع محدودیت‌های اقتصادی و آزادسازی دارایی‌ها مربوط می‌شود. او همچنین هشدار داد که حملات اخیر آمریکا به اهدافی در داخل خاک ایران، نقض بند اول تفاهم محسوب می‌شود و استمرار چنین اقداماتی می‌تواند روند اجرای توافق را با مشکل جدی مواجه کند.

با وجود آن‌که در ظاهر برخی بندهای تفاهم وارد مرحله اجرا شده‌اند اما روند تحولات میدانی نشان می‌دهد مهم‌ترین تهداتی که قرار بود زمینه‌ساز عبور دو طرف از فضای جنگ به سمت یک چارچوب پایدار برای کاهش تنش باشد، همچنان با موانع جدی روبه‌رو است. از همین رو، این پرسش بیش از گذشته مطرح می‌شود که آیا تفاهم در حال تبدیل شدن به یک سند اجرایی است یا آن‌که به تدریج در گرداب اجرای ناقص، تفسیرهای متفاوت و بدعهدی‌های متقابل گرفتار می‌شود.

■ **تفاهمی که قرار بود همه جبهه‌ها را شامل شود**

آنچه امروز بیش از هر موضوع دیگری مورد توجه قرار گرفته، شکاف رو به گسترش میان متن تفاهم و واقعیت‌های میدانی پس از امضای آن است. تفاهمی که قرار بود مسیر کاهش تنش را هموار کند، اکنون در معرض آزمونی قرار گرفته که نتیجه آن

■ **یادداشت**

علاءالدین بروجردی | عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس

توانمندی هسته‌ای قابل مذاکره نیست

پایان هر جنگی در نهایت به مذاکره ختم می‌شود؛ جنگ نمی‌تواند برای همیشه ادامه پیدا کند. این جنگ تحمیلی نیز با وجود این‌که ما همچنان هیچ اعتمادی به آمریکا نداریم و آمریکا را کاملاً غیرقابل اعتماد می‌دانیم، به‌ویژه ترامپ که به شدت تحت تأثیر صهیونیست‌ها قرار دارد اما در مجموع، این توافق با یادداشت تفاهم ۱۴ ماده‌ای، به نظر من مجموعه نکات مثبت آن بر نکات مهم و احياناً منفی آن غلبه دارد.

اگر ما بر ضرورت توقف جنگ علیه لبنان پافشاری نمی‌کردیم، این اتفاق رخ نمی‌داد. با توافق دولت لبنان، رژیم صهیونیستی و آمریکایی‌ها، جنگ علیه لبنان به پایان نمی‌رسید، زیرا آنها در آن توافق طراحی کرده بودند که عملاً با حزب‌الله بچنگند؛ در حالی که ما حزب‌الله را به‌عنوان یکی از هم‌پیمانان منطقه‌ای خود و یک خط قرمز تعریف کرده بودیم. نخستین بند این توافق و یادداشت تفاهم نیز این شده که جنگ در جبهه لبنان باید متوقف شود.

■ **یادداشت**

سیده زهرا آرامی | نویسنده و پژوهشگر

رهبر ایران؛ نماد عدالت، مقاومت و آزادی

تاریخ گاه نه با قلم سیاستمداران، که با خون مردانی نوشته می‌شود که آگاهانه مرگ را برمی‌گزینند تا حقیقت زنده بماند. شخصیت سیدعلی خامنه‌ای حسینی ترکیبی از «دانشمند متدین»، «استراتژیست صلب و مقتدر» و «رهبر ساده‌زیست و خادم» است. او رهبری است که قدرت خود را نه از ابزارهای مادی بلکه از پیوند با باورهای مذهبی و اعتماد عمیق مردمی کسب کرده است. همین ویژگی‌ها و، او را به شخصیتی تبدیل کرده که حتی پس از شهادت، میراث او (اتفاقا مقدّمات و خود استقلال) همچنان به عنوان یک جریان زنده باقی می‌ماند. تحلیل شخصیت یک رهبر که دهه‌ها بر سرنوشت یک ملت و منطقه اثر گذاشته، نیازمند نگاهی چندوجهی است. از دیدگاه تحلیل‌گران سیاسی، تاریخ‌نگاران و براساس مشاهدات از سبک زندگی و مدیریت ایشان، شخصیت آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان این‌گونه توصیف کرد:

۱. وجه اعتقادی و مذهبی (پایبندی به اصول)

ایشان شخصیتی هستند که از دل فقه و دانش اسلامی برخاسته است. این وجه از شخصیت او باعث شده بود که در تصمیم‌گیری‌ها، همیشه از چهارچوب‌های اعتقادی و حاکمیت قوانین اسلامی عبور نمی‌کرد. او تنها یک سیاستمدار نبود بلکه به عنوان یک عالم دینی، سعی می‌کرد میان سیاست و اخلاق، پیوند معنوی برقرار کند. این ویژگی باعث شده که بخشی از جامعه‌ا و ارائه فقط یک حاکم بلکه یک «مرجع و راهنما» بداندند.

۲. وجه سیاسی و استراتژیک (بین‌انگذاز محور مقاومت)
یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های شخصیتی ایشان در عرصه بین‌الملل، «صلابت و نگاه استراتژیک» است. ایشان شخصیتی هستند که بر مفهوم «مقاومت» تأکید ویژه‌ای داشتند. به گونه‌ای که در برابر فشارها، تسلیم نمی‌شدند بلکه بر حفظ استقلال و عزت ملی پافشاری می‌کردند.

مورد توافق بود، نه نقض تفاهم؛ در حالی که واشنگتن این موضوع را به‌گونه‌ای متفاوت تفسیر کرد.

همین روند باعث شده برخی تحلیلگران این پرسش را مطرح کنند که آیا آمریکا از ابتدا اجرای کامل همه بندهای تفاهم را مدنظر داشته، یا آن‌که تمرکز اصلی اش بر بخش‌هایی بوده که به بازگشت جریان انرژی و کاهش نگرانی‌های اقتصادی جهانی مربوط می‌شود. به‌ویژه آن‌که پس از امضای تفاهم، مهم‌ترین پیشرفت‌های عملی عمدتاً در حوزه صادرات نفت، کاهش محدودیت‌های تجاری و مدیریت تردد در خلیج فارس دیده شده اما در حوزه توقف کامل تنش‌های منطقه‌ای، پیشرفت ملموسی حاصل نشده است.

از این منظر، برخی ناظران معتقدند رفتارهای اخیر واشنگتن این تصور را تقویت کرده که آمریکا در حال اجرای گزینشی تفاهم است؛ یعنی بندهایی که به ثبات بازار انرژی و منافع اقتصادی فوری برای واشنگتن مربوط می‌شود با سرعت بیشتری پیش می‌رود اما بندهایی که مستلزم مهار رفتار اسرائیل یا ایجاد تغییرات امنیتی در لبنان است یا قرار است پول‌های ایران را در اختیار بانک مرکزی قرار دهد، عملاً با تعلل یا ابهام مواجه می‌شود. البته این برداشت هنوز به معنای شکست قطعی تفاهم نیست. حتی مقام‌های ایرانی نیز تأکید می‌کنند که در برخی بندها «وضعیت نسبتاً مطلوب» وجود دارد و روند اجرا آغاز شده است اما همزمان هشدار می‌دهند که بدون اجرای مستمر و همزمان همه بندهای کلیدی، ورود به مرحله بعدی یعنی مذاکرات برای توافق نهایی امکان‌پذیر نخواهد بود.

در چنین شرایطی، آنچه بیش از هر چیز اهمیت پیدا می‌کند سنجش میزان پایبندی عملی طرف‌ها به همان تعهداتی است که در متن تفاهم پذیرفته‌اند. اگر اجرای بندهای اصلی همچنان با برخورداری گزینشی، تأخیر یا تفسیرهای متفاوت همراه باشد، احتمال آن وجود دارد که تفاهم به جای آن‌که به سکوی عبور از بحران تبدیل شود، خود به یکی از کانون‌های اختلاف میان دو طرف بدل شود.

مجموعه تحولات هفته‌های اخیر، از ادامه درگیری‌ها در لبنان گرفته تا اختلاف بر سر نحوه اجرای بند پنجم درباره تنگه هرمز و حملات متقابل پس از آن، این برداشت را در میان برخی تحلیلگران تقویت کرده است که تفاهم وارد مرحله‌ای حساس شده است؛ مرحله‌ای که موفقیت یا شکست آن، بیش از هر چیز به میزان پایبندی عملی طرف‌ها به تعهدات اولیه وابسته است. در غیر این صورت، سندی که با هدف پایان دادن به چرخه تنش تنظیم شد، ممکن است خود در گرداب بدعهدی و اجرای گزینشی گرفتار شود؛ وضعیتی که نه تنها مسیر رسیدن به توافق نهایی را دشوارتر خواهد کرد بلکه خطر بازتولید بحران‌های امنیتی در منطقه را نیز افزایش می‌دهد.

مشخص، در بخش تحریرها، آمریکایی‌ها تلاش می‌کنند این موضوع را به مذاکرات هسته‌ای گره بزنند؛ موضوعی که اگر بعد از ۶ روز نظام تصمیم بگیرد وارد آن مرحله شود، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با این حال، ما احتمالاً توانمندی هسته‌ای خود را حفظ خواهیم کرد و غنی‌سازی را ادامه خواهیم داد. اینها دستاوردهای ملی ماست و قابل مذاکره نیست. همچنین توانمندی نظامی و موشکی ما نیز موضوعی نیست که بتوانیم برای حفظ منافع خود از آن عبور کنیم؛ چرا که این مسأله یک ضرورت برای حفظ امنیت ملی ماست و آن را از دست نخواهیم داد.

در مجموع، با توجه به شرایط ویژه‌ای که وجود دارد، آتش‌بس کمی طبیعتاً شکننده است. فشارهای صهیونیست‌ها و فشارهای تندروهای داخل آمریکا، این تفاهم‌نامه در حد خود در حال پیش رفتن است.

آنچه افکار عمومی ما انتظار دارد و مقام معظم رهبری نیز فرمودند، تحقق این توافق است، در هر صورت، به میزان آنچه تاکنون انجام شده، این موضوع یک دستاورد مثبت محسوب می‌شود. تحقق کامل آن هدفی است که دنبال می‌کنیم و امیدواریم عملیاتی شود؛ زیرا در آن صورت شرایط بهتری برای کشور ایجاد خواهد کرد.

اسرائیلی‌هاست. اصولاً راهبردهای امنیتی آمریکایی‌ها در منطقه، از چند دهه پیش بر دو محور استوار بوده است: یکی حفظ امنیت اسرائیل که در صدر سیاست خاورمیانه یا غرب آسیای آنها بوده و دوم حفظ روند انتقال نفت در کل جهان، به‌خصوص منطقه که جزو رسالت‌های خودشان می‌دانند.

می‌دانیم آمریکایی‌ها لاقال از جنگ جهانی دوم به این سو با حساسیت بالایی خطوط انتقال نفت و ضمانت انتقال آن را در خلیج فارس یا در هر جایی از دنیا دنبال می‌کنند. یکی از اهداف نظامی‌گری آمریکایی‌ها و ابرقدرتمنایی، همین تأمین و تثبیت روند انتقال انرژی به دنیای غرب است. و پیرو همین مسأله آنها همیشه به دنبال تضعیف کشورهای منطقه از نظر نظامی و سیاسی و وابسته‌سازی آنها به خود بوده‌اند. تمرکز حملات آمریکایی به جنوب کشور و درن برخی از تاسیسات ما هم با هدف تضعیف عملکرد ما برای اعمال تسلط بر این منطقه صورت می‌گیرد. البته طبیعی است که نباید انتظار داشت آمریکایی‌ها حقوق ما را به رسمیت بشناسند. بنابراین در این فضا ما ضمن تداوم اقدامات نظامی و امنیتی در جهت ایجاد یک نظم امنیتی مطلوب در منطقه باید دنبال ایجاد سازوکارهای حقوقی و نهادسازی‌های لازم باشیم و در جهت شرح و بسط این سازوکار و نهادهای طبیعتاً باید در سطح دیپلماسی با کشورهای منطقه درباره اداره تنگه هرمز به تفاهم برسیم. سفر آقایان عراقچی و غریب‌آبادی به عمان و رابینو یا این کشور با توجه به موقعیت جغرافیایی ما و آنها امری طبیعی است. به این ترتیب همه تلاش‌هایی که الان برای ایجاد یک سازوکار اشراف و مدیریت تنگه هرمز توسط دیپلمات‌های ما انجام می‌شود، در راستای تأکید رهبری برای مدیریت ایرانی تنگه هرمز است. ایشان در پیام ابتدایی خود فرمودند که این موضوع باید فراهم شود و بعد از آن درباره معاهده و اجراء صحبت کنیم.

یک دیپلماسی فعال با کشورهای منطقه در این رابطه هم نشان دهنده حسن نیت ماست و هم می‌تواند باطل‌کننده تبلیغات دشمن باشد و هم می‌تواند گفتمان لازم در سطح افکار عمومی مردم منطقه برای ایجاد نظم منطقه‌ای ناشی از همکاری میان کشورهای همین منطقه به جای نظم وابسته به آمریکا و غرب را زمینه‌سازی کند. باید توجه داشت که وضعی که در دریافت هزینه‌های مرتبط با ایجاد سازوکارهایی برای مباحث ترانس میحیطی و ارتقای خدمات مربوط به امنیت دریانوردی به لحاظ حقوق بین‌الملل کاملاً توجیه‌پذیر است و این نیازمند پیگیری‌های مستمر دستگاه دیپلماسی ماست.